

تعامل حقوق کیفری و مدنی

◀ دکتر سیدمصطفی محقق داماد

کمیسیون ماهانه حقوقی و قضایی آموزش دادگستری استان تهران هر ماه پذیرای یکی از اساتید مبرز با موضوعی مشخص می‌باشد. آنچه در پی می‌آید سخنرانی دکتر محقق داماد با موضوع «تعامل حقوق کیفری و مدنی» است که میهمان ماه کمیسیون بوده است.



اسلامی وجود حاکم مشروع و دارای قوه قهریه است که اصطلاحاً در فقه گفته می‌شود «بسط ید» و در فرض فقدان حکومت و با غیبت حاکم به هیچ وجه اجرای مجازات مشروع نخواهد بود. این ریشه همین قضیه است. حقوقدانان برای جرم، عناصر خود جرم را بیان کرده‌اند، عنصر مادی، معنوی، قانونی ولی حقوق اسلامی غیر از عناصری که برای خود جرم است برای اجرای مجازات هم ارکان و شرایطی قائل است مثلاً پدری فرزندش را بکشد وقتی قتل فرزند اتفاق می‌افتد قتل جرم است نمی‌توان گفت در اینجا جرم اتفاق نیفتاده، اشکال کار اجرای مجازات است و اجرای مجازات واجد شرایط نیست نه اینکه جرم اتفاق نیفتاده، یا در موارد دیگری که کفویت بین قاتل و مقتول موجود نیست مجازات اجرا نمی‌شود نه اینکه جرم اتفاق نیفتاده باشد، شرایط اجرای مجازات بسیار زیاد است اما رابطه مجازات و وجود یک حاکم قانونی و مشروع چیزی بیش از یک شرط است اصلاً رکن است مادام که حاکم مشروع وجود نداشته باشد یا باشد ولی غایب باشد کسی نمی‌تواند

یکدیگر و موضوع حقوق خصوصی روابط شهروندان است. اما باید دید در نظام حقوق اسلام، این مطلب را چگونه می‌توان با اصطلاحات سنتی حقوق اسلامی بیان کرد؟ اگر با نظام سنتی آشنایی داشته باشید، گاهی اوقات نهادهایی که در نظام سنتی به کار رفته جامعیت بیشتری دارد و بهتر می‌تواند جهات موضوع را از نظر علمی بیان کند. من آنچه که در نظام حقوق اسلامی و ادبیات اسلامی مطرح است با ادبیات خودش مطرح می‌کنم و ممکن است در نهایت به یکجا برگردد و مطالبی را که در حقوق معاصر گفته می‌شود همین مطالب باشد ولی ادبیات، ادبیات دیگری است. در ادبیات حقوق اسلامی تمایز و تفاوت اصلی نظام حقوق کیفری با نظام حقوق مدنی در چند مورد است:

اولاً: در نظام مدنی مخاطب احکام افراد هستند و در نظام کیفری مخاطب احکام حکومت است. بر اساس همین تمایز یک نکته بسیار مهمی را نتیجه می‌گیریم و آن این است که یکی از ارکان مهم و شاید رکن اصلی اجرای مجازات در نظام حقوق

موضوع بحث بررسی این موضوع است که آیا بین حقوق کیفری و حقوق مدنی تعاملی وجود دارد یا خیر؟ بی‌تردید در نظر بدوی حقوق کیفری از قواعد خاص خود پیروی می‌کند و حقوق مدنی از قواعد خاص خود و کاملاً این دو نظام با یکدیگر فرق دارند معمولاً در نظریه‌پردازی حقوق معاصر در توجیه این تفاوت می‌گویند؛ اینکه حقوق کیفری از شاخه‌های حقوق عمومی است و در دسته‌بندی حقوق مقابل حقوق خصوصی قرار دارد و می‌گویند حقوق عمومی را مجموعه قواعد حقوقی حاکم بر روابط بین فرد و دولت و بین نهادهای دولتی با یکدیگر تشکیل می‌دهد ولی در بیان حقوق خصوصی می‌گویند؛ مجموعه قواعد حاکم بر روابط افراد با یکدیگر است و اینها دو آب است در دو جوی از این جهت که حقوق عمومی تنظیم‌کننده روابط حکومت‌کنندگان با حکومت‌شوندگان است (فرمانروایان و فرمانبران) ولی حقوق خصوصی سازمان‌دهنده روابط شهروندان در میان خودشان است یا به بیان دیگر موضوع حقوق عمومی روابط دولت و شهروندان و سازمان‌ها و ارکان دولت با